

ما در سینما دستیاران زیادی داریم که با کارگردانان شاخصی کار کرده‌اند اما نتوانستند کارگردان بشوند، این تفکر پیش می‌آید که شاید موانع زیادی وجود داشته باشد که اجازه ندهد دستیارهای جوان‌تر کارگردان بشوند. خود شما برای ساخت فیلم اولتان می‌توانستید زودتر وارد عمل بشوید و نشده؟

چیزی که مهم است نیست ورود آدم‌ها به سینماست. بسیاری در سینما به حرفه شریف دستکاری و برنامه‌ریزی علاقه‌مند هستند، وارد آن می‌شوند و قصدشان این است که در نهایت همین حرفه را برای خود انتخاب کنند و به طور تخصصی این کار را انجام دهند. نگاه من از ابتدا این بود که روزی وارد حیطه ساخت فیلم شوم و به همین خاطر این مسیر را پشت سر گذاشتم تا از سینما یاد بگیرم. از کار کردن در کنار کارگردان‌ها آموختم و در سینما تجربه کسب کرده‌ام تا روزی برسد که بخواهم فیلم خودم را بسازم. در هر حال به نظر می‌رسد که ورود به سینما همیشه سخت بوده ولی این‌روزها شاید از جهاتی بهتر و از جهات دیگر کمی سخت‌تر شده؛ چرا که امروز اقتصاد سینما به شکلی شده که پیدا کردن سرمایه مخصوصاً برای فیلمسازان اول که باید اعتمادی را حاصل کنند کار سختی است و من این شانس را داشتم که توانستم تهیه‌کننده را که از دوستانم بود بنا به قصه و سوابقم مجاب کنم. در دوره‌ای که من اقدام کرده بودم مجوزهایی بود و پروانه کارگردانی هم جداگانه بررسی می‌شد که گاهی مشکلاتی پیش می‌آمد و برای گرفتن این مجوزها زمان طولانی سپری می‌شد. امروز فکر می‌کنم که شاید رد کردن بعضی از موانعی که الزامش را نمی‌توان متوجه شد ساده‌تر باشد ولی در کل به نظر می‌رسد که ورود به سینما از درچه‌های دیگری سخت‌تر شده که اصلش به سرمایه‌بازی می‌گردد و اینکه اساساً تصور می‌شود طیف‌ها یا کسانی وجود دارند که از ورود جوانان به سینما و ساخت فیلم اول ترس دارند ولی فکر می‌کنم این اتفاق آرام آرام دارد می‌افتد و آدم‌هایی می‌آیند که مسیر تازه‌ای را شکل می‌دهند و سینما دارد پوست می‌اندازد.

ما فیایی که ما در بازیگری سراغ داریم، در کارگردانی و جلوگیری از کار کردن برخی وجود دارد یا خیر؟

قطعاً هیچ چیز به شکل عریان و علنی نیست و همه منکر این ماجرا می‌شوند اما من فکر می‌کنم که در تفکرات بدنه سینما، منظورم بخشی از آدم‌هایی است که در سینما هستند و همچنین بخشی از تصمیم‌گیرندگان، چنین مسأله‌ای وجود دارد و برای ورود اشخاصی به حوزه ساخت فیلم و یا دیگر حوزه‌های تخصصی سینما ممانعت به عمل می‌آید و یا حداقل سنگ‌اندازی‌هایی می‌شود. به نظر می‌رسد که این‌ها ماجرا وجود دارد و

جریان‌هایی هستند که به شکل غیرعلنی برای ورود و یا کار در محیط سینما ممانعت می‌کنند.

فیلم اولی بودن در ساخت، در حال حاضر بر خلاف دهه گذشته به مراتب کار خیلی راحت‌تری شده؛ از این حیث که بازیگران شاخص راحت‌تر به فیلمساز اولی اعتماد می‌کنند و جلوی دوربین آن کارگردان می‌روند چون می‌خواهند با یک نگاه جدید همکاری کنند. چقدر با بازیگرانتان مبنای رفاقت گذاشتید و چقدر سخت‌گیری کردید؟

در یک دهه گذشته افرادی وارد سینما شده‌اند که فیلم اولی بودند و فیلم‌های بسیار خوبی ساخته‌اند؛ آن‌ها باعث شدند که نگاه طیفی از سینماگرها و حتی مخاطب به کلیدواژه فیلم اولی تغییر کند و امروز می‌بینیم که فیلم اولی‌ها جریان‌هایی را در سینما به وجود آورده‌اند که بسیار خوشحال‌کننده است. این افتخار را داشتم که تقریباً همه بازیگرانی را که فکر می‌کردم برای فیلم من مناسب هستند در فیلم داشته باشم که البته آن‌ها هم به من اعتماد کردند. بخش زیادی از این اعتماد به دلیل فیلمنامه کار بود و بخش دیگری به سابقه من و شرایط تولید ما برمی‌گشت. واقعیت این است که اسمش را هم رفاقت و هم سختگیری می‌توان گذاشت که این مسأله از طرف همه ما برای رسیدن به ایده‌آلی که در ذهن داشتیم وجود داشت. همه تلاش کردیم و سعی کردیم از آن مسأله‌ای که به عنوان ایده‌آل برای ما وجود دارد نگذریم. در نتیجه برای رسیدن به اهداف مشترک، یک ترکیب بسیار دوستانه شکل گرفت.

یکی از ویژگی‌های «لتیان» گروه بازیگران خاص و خوب آن است. چند بار از آدم‌های مختلف «نه» شنیده‌اید تا به این گروه رسیدید یا اینکه همگی انتخاب‌های اول شما بوده‌اند؟

خاطر من نیست اما فکر نمی‌کنم که ما از کسی نه شنیده باشیم. تقریباً با قدرت می‌توانم بگویم این ترکیب اولیه‌ای بود که به آن فکر کردیم و با همین ترکیب به نتیجه رسیدیم. همه این دوستان لطف کردند و سناریو را خواندند و در جلساتی که با هم داشتیم در نهایت به این نتیجه رسیدیم که در این فیلم با همدیگر همکاری کنیم تا فیلم، درست ساخته شود.

تا جایی که یادمان می‌آید شما ارتباط تنگاتنگی با حامد بهداد داشته‌اید، برای این فیلم چقدر به او فکر کردید؟ منهای دوستی قدیمی من با حامد بهداد، او یکی از بازیگران بسیار خوب و توانمند سینمای ایران است که این فارغ از رفاقت ما و مسأله‌ای است که اثبات شده است. حامد جایگاه بسیار رفیعی در بازیگری سینمای ایران دارد اما بالطبع برای انتخاب بازیگر



چرا که امروز اقتصاد سینما به شکلی شده که پیدا کردن سرمایه مخصوصاً برای فیلمسازان اول که باید اعتمادی را حاصل کنند کار سختی است و من این شانس را داشتم که توانستم تهیه‌کننده را که از دوستانم بود بنا به قصه و سوابقم مجاب کنم

المان‌های مختلفی وجود دارد که دست به دست هم می‌دهند. ممکن است بازیگری بسیار مورد علاقه کارگردان باشد اما در آن فیلمنامه جایی برای او در ذهن سازنده وجود نداشته باشد. در هر حال حامد همیشه به عنوان یک بازیگر خوب در ذهن من حضور داشته اما فکر می‌کردم شخصیتی که در این فیلم برای او مناسب باشد را ندارم.

چقدر به فکر تثبیت زوج امیرجدیدی و پری‌ناز ایزدیار بوده‌اید که این دو انتخاب را داشتید؟

واقعیت مطلب این است که من اصلاً از این دریچه به آن نگاه نکرده‌ام. چرا که من فکر می‌کنم امیرجدیدی و پری‌ناز ایزدیار در یک فیلم با هم بازی کرده بودند و آن «هت‌تریک»، فیلم اول تهیه‌کننده من بود. معیار انتخاب من تثبیت این زوج یا ادامه دادن مسیر موفقیت این ترکیب در فیلم قبلی نبود و بنا به اینکه کدام بازیگر برای کدام کاراکتر فیلم مناسب است، دست به این انتخاب زدم.

با اکتای براهنی از زمان «پل خواب» قرار ساخت این فیلم یا نوشتن فیلمنامه توسط ایشان را گذاشتید؛ اینکه به دلیل نام پدرشان به ایشان

